

طرحی برای تقویت زبان فارسی

دکتر خسرو فرشید ورد

زبان فارسی زبان دوم عالم اسلام و زبان اول جهان تشیع و زبان رسمی کشور ایران است. با این زبان گرانمایه است که بسیاری از آثار علمی و ادبی و عرفانی ایران و اسلام به جهانیان عرضه شده است. همین زبان بود که بر سراسر آسیای مرکزی و غربی و جنوبی فرمانروایی داشت و از دهلی تا قسطنطنیه و از سمرقند تا بغداد به آن سخن می‌گفتند. همین زبان بود که روزی محکمترین رشته اتحاد و اتفاق بین مسلمانان و غیرمسلمانان مشرق زمین بود. چنین نفوذی بر استعمارگران غرب و دشمنان شرق گران آمد. آنان از نقش وحدت‌آفرین زبان فارسی در ایران و هند و عثمانی به وحشت افتادند و با توطئه در صدد ناتوانی و نابودی آن برآمدند. ابتدا آن را از شبه قاره هند برانداختند و زبان انگلیسی را به جای آن گذاشتند سپس در افغانستان به نبرد با آن برخاستند. اول آن ناحیه را از ما جدا ساختند آنگاه یکی از لهجه‌های محلی یعنی پشتو را جانشین فارسی کردند و پس از آن ترکان و تاجیکان را بر آن داشتند که خط سنتی خود را عوض کنند و لغات فارسی و عربی زبان خویش را دور بریزند تا رابطه آن کشورها با فرهنگ غنی گذشته آنها قطع شود. آنگاه به این هم اکتفا نکردند و در داخل مملکت ما دست به تخریب زبان شیرین فارسی زدند و گمراهان وطن پرست نما را به ویران‌سازی زبان تشویق کردند. اینان به نام

غرور ملی و عربی ستیزی و آسان کردن تعلیم زبان فارسی نغمه تغییر خط و پاکسازی زبان را سر دادند و به جان لغات جا افتاده و فارسی شده و عربی تبار افتادند و به این بهانه که کلماتی مانند «دفاع» و «حمل و نقل» و «رئیس» فارسی نیستند دورشان ریختند و به جای آنها لغات نامأنوس و دل‌آزار یا غلط «پدافند» و «ترابری» و «فر نشین» را گذاشتند و از این راه به ناتوان‌سازی زبان و نامفهوم کردن آن پرداختند. گروهی غریزه جاه طلب و آوازه جو را نیز واداشتند که تترهای نارسا و بی‌معنی و غلط خود را به مردم این سرزمین «شعر نو» قالب بزنند و غریب‌زدگی ادبی و رسوبات فرهنگ غرب را در این مملکت رواج دهند. اینان با گستاخی تمام گفتند فردوسی و سعدی شاعر نیستند و فلان جوان از مکتب گریخته شاعر است و بس. آنها فریاد زدند «بسی آدم اعضای یکدیگرند». شعر نیست و شعار است ولی «جیغ بنفش» و «شنبه، سوراخ» و خز عیلاتی نظیر آن شعر ناب است. بنا بر این این دسته نیز به نوعی دیگر به ناتوان‌سازی زبان فارسی دست یازیدند.

پس بر هر ایرانی مسلمانی واجب است از این مظلوم، یعنی از زبان فارسی، دفاع کند و تاسی تواند در تقویت و گسترش آن بکوشد و از این راه ضربه‌ای هولناک بر پیکر دشمنان فرهنگ و استقلال ایران وارد آورد. بلکه این زبان عظمت دیرین خود را باز یابد و دوباره وسیله اتحاد و همبستگی بین مسلمانان و مردم مشرق زمین گردد. دریغ است که زبان ابن سینا و ابوریحان و خواجه نصیر و فردوسی و سعدی و مولوی بازیچه دست نادانان شود. بی‌شک کوشش در این راه نوعی عبادت و جهاد است. جهاد شرق است بر ضد استعمار فرهنگی غرب، جهادی است بر ضد اروپاییانی که چشم ندارند آسیایان را متحد و یکدل و یک‌زبان ببینند، جهاد بر ضد کسانی که نگذاشتند شرقیان دارای زبان مشترکی باشند، جهاد بر ضد آنهایی که با ضربه‌زدن به زبان فارسی به اسلام ضربه زدند، جهاد بر ضد شیطانهایی که رابطه برادران فارسی‌زبان دیگر منطقه را با ما قطع کردند.

نیروی دیگری که به ما فرمان می‌دهد با شور و عشقی بی‌پایان و اراده‌ای آهنین به زبان فارسی پردازیم مسأله حمیت و غیرت شرقی ماست در برابر غربیان. غربیانی که حتی در بسیاری از تحقیقات ایرانی و شرقی نیز از ما جلو زده‌اند و ما را نیازمند خود ساخته‌اند؛ به طوری که بهترین مثنویهای ما را نیکلسون

دست به تربیت و ایجاد آن بزنیم و از آنجایی که دچار کمبود محقق و پژوهشگر زبان فارسی هستیم باید از عده معدودی که برای ما باقیمانده اند حداکثر بهره را بگیریم و هیچ فارسی شناسی را نباید به حال خود رها سازیم مگر در این جهاد فرهنگی شرکت کند و خدمتی شایسته به زبان فارسی و به مملکت خویش بنماید.

برای برنامه‌ریزی در این زمینه باید شورایی به نام شورای عالی زبان و ادب فارسی تشکیل شود که بر تمام مراکز تعلیم و تحقیق زبان فارسی از جمله بر سازمان برنامه‌ریزی زبان فارسی وزارت آموزش و پرورش نظارت کند. این شورا باید از بهترین و کارگشته‌ترین مترجمان و نویسندگان و شاعران و دست‌ورداگان و لغت‌شناسان و زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان کشور به وجود آید و در آن هیچ جایی برای افسرطیان و منحرفان و کسوت‌نگران و دانشمند نمایان یک بُعدی و اندک مایگان نباید باشد. و گر نه مانند گذشته هیچ کاری از پیش نخواهد رفت و به جای نتیجه مثبت خرابی و فساد به بار خواهد آمد. به هر حال گسترش و آموزش زبان فارسی بدون برنامه‌ریزی و نیروی انسانی کافی عملی نخواهد شد و برنامه‌ریزی نیز بدون شرکت دانشمندترین و پرمایه‌ترین ادیبان و زبان‌شناسان راه بسجایی نخواهد برد. سبب عقب‌ماندگی ما در تحقیقات ادبی نبودن برنامه صحیح یا وجود برنامه‌های افراطی و نامربوط بوده است ضمناً چون وزارت آموزش و پرورش و سازمانهای کتابهای درسی و رادیو تلویزیون و روزنامه‌های پرانتشار مهمترین و حساسترین مرکز آموزش و گسترش زبان فارسی است باید نشریات و کتب این مراکز را با بهترین و شیواترین نثرها نوشت و در اختیار مردم قرار داد. بنابراین باید بهترین استادان و محققان زبان فارسی را برای برنامه‌ریزی در این سازمانها به کار گمارد. سپردن این کارهای مهم به فارسی‌دانان و دستور نویسندگان و نویسندگان درجه دوم و سوم گناهی است نابخشودنی که مسئولان امر باید در پیشگاه خدا و مردم جوابگوی آن باشند.

کارهایی که برای آموزش و گسترش و تقویت زبان و ادب فارسی بخصوص گونه رسمی آن باید صورت گیرد فراوان است و بیان آن مستلزم نوشتن مقالات و رسالات و کتابهای متعدد است و در اینجا ما علاوه بر آنچه پیش از این نوشته‌ایم به بعضی دیگر از آنها اشاره می‌کنیم:

انگلیسی و بهترین شاهنامه‌های ما را عثمانف شوروی تصحیح کرده‌اند و بهترین پژوهشها را درباره زبانهای ایرانی و میانه و باستان، آلمانیان و روسیان و انگلیسیان و فرانسویان و آمریکاییان صورت داده و تا چندی پیش نیز بهترین دستورها و کتابهای تاریخ ادبیات فارسی نیز در اروپا نوشته می‌شد. آیا این عقب‌ماندگی علمی و پژوهشی، آن هم در زمینه مسائل مربوط به زبان فارسی برای ما ایرانیان شرم‌آور و دردناک نیست؟

آیا وظیفه انسانی و حمیت و غیرت به ما حکم نمی‌کند این زخم جانگزا را مرهم نهمیم و درمان کنیم و این سرافکنندگی را به سرافرازی بدل سازیم؟ اگر ما در طب و صنعت و علم و فن چشم به دست غربیان بدوزیم شاید آنقدرها خجلت‌انگیز نباشد. اما اگر روزی مجبور شویم که متخصص زبان و ادبیات فارسی را هم از غرب وارد کنیم وای بحال ما. زیرا دستور زبان فارسی و تاریخ ادبیات ایران را غربیان از ما باید بیاموزند نه ما از آنان. ما باید دست کم در پژوهشها و تحقیقات ایرانی و اسلامی روی پای خود بایستیم نه آنکه در این مسائل هم دست نیاز به سوی فرنگیان دراز کنیم. آری باید پس از این مسائل شرق در شرق حل شود نه در غرب.

تقویت زبان فارسی و تبدیل آن به یک زبان توانگر و توانا و برطرف کردن نقصهای آن به کوششهای فراوان و زمان زیاد نیازمند است و این امر کار یک سال و دو سال و چند سال نیست. این کار مستلزم صرف وقت و پول و نیروی انسانی بسیار است. این کار مستلزم احترام به همه معلمان و استادان و پژوهشگران زبان فارسی است، به کسانی که عمر خود را وقف پاسداری از این میراث گرانبهای فرهنگی کرده‌اند، به کسانی که در این جهاد و عبادت بزرگ شرکت نموده و سبب سر بلندی مملکت ما شده‌اند.

سالم‌سازی و تقویت و گسترش زبان فارسی قبل از هر چیز طرح و برنامه و متخصص و عالم درجه اول می‌خواهد زیرا این کار عظیم از هر کسی بر نمی‌آید. ما برای رسیدن به این منظور به هزاران ادیب و مترجم و زبان‌شناس و شاعر و نویسنده زیر دست نیازمندیم و چون چنین نیرویی در اختیار نداریم باید هر چه زودتر

۱) نوشتن کتابهای دستور و لغت و فرهنگ اصطلاحات برای گونه‌های مختلف زبان فارسی.

۲) پرهیز از بدآموزیهای زبان‌شناسی و احتراز از عقاید افراطی درباره زبان از قبیل: گذشته‌گرایی، غرب‌زدگی ادبی، عربی‌مآبی و پالایش زبان از عناصر اقباسی و قرضی آن (مانند دور ریختن کلمات عربی و غیر فارسی جا افتاده از زبان و ناتوان ساختن آن از این راه زیرا زبان پاک چیزی جز زبان ناتوان نیست)

۳) رواج پژوهشهای درست، با آنکه در زمان ما نیز بر اثر توسعه علوم و فنون و دانشگاهها بر شمار پژوهشگران زبان فارسی افزوده شده است و دانشمندان ایرانی و غیر ایرانی بسیاری درباره آن تحقیق کرده و آثار فراوانی در زمینه لغت و دستور و تاریخ ادبیات و تصحیح متون و رسم الخط و سبک‌شناسی و نقد ادبی آن به مردم عرضه داشته‌اند، مع هذا نباید گمان برد که کار تحقیق درباره زبان و ادبیات فارسی تمام شده است و دیگر نیازی به پژوهشهای تازه نیست. برعکس باید دانست که هنوز در آغاز کاریم و کارهای انجام شده در برابر کارهای انجام نشده ناچیز است. زیرا اولاً درباره هیچیک از موضوعهایی که نامشان را بردیم تحقیقات کاملی به عمل نیامده است مثلاً ما هنوز هم که هنوز است یک رسم الخط دقیق یا دستور و تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی و لغتنامه جامع نداریم. ثانیاً درباره بسیاری از مباحث یاد شده اصلاً کاری نکرده‌ایم. از آن جمله است درباره قواعد ترجمه و واژه‌سازی و وضع اصطلاحات علمی و در باب تعلیم علمی و درست زبان فارسی به مردم. آری در این سه موضوع و به طور کلی درباره فارسی معاصر یا کاری نشده و یا اگر شده است ناچیز است.

در حالی که مهمترین مسأله زبان فارسی، فارسی معاصر و آموزش و گسترش آن است و سه بخش مهم فارسی معاصر نیز ترجمه و اصطلاحسازی و تعلیم زبان است که ما کمتر بدان پرداخته‌ایم، بی‌شک فارسی رسمی معاصر مهمترین قسمت زبان فارسی است زیرا با این زبان است که ما می‌گوییم و می‌نویسیم و درس می‌دهیم و پیام خود را بدیگران می‌رسانیم و به نشر علوم و فنون و فرهنگ جدید می‌پردازیم.

مراد از فارسی رسمی معاصر بیشتر زبان نگارش امروز است که خود دارای بخشها و گونه‌های متعددی است. از آن جمله

الف. گونه خبری، یعنی گونه‌ای که با آن روزنامه می‌نویسیم و اخبار رادیو و تلویزیون را پخش می‌کنیم.
ب. گونه نمونه یا ادبی، یعنی گونه‌ای که زیبا و دلچسب و شیوا است و یکی از کارهای مهم مسئولان رواج این گونه است در بین مردم و دانش‌آموزان. مراد از این گونه، نثر بهترین مترجمان و نویسندگان معاصر است.

ج. گونه علمی و فنی، یعنی گونه‌ای که با آن کتابهای علمی و فنی می‌نویسند. این گونه پُر است از اصطلاحات و تعبیرات علمی و فنی جدید و قدیم.

د. گونه اداری و تشریفاتی، یعنی گونه‌ای که با آن گزارش و نامه اداری می‌نویسیم. پس تقویت صحیح زبان رسمی معاصر و گونه‌های فرعی آن یعنی گونه‌های علمی و ترجمه‌ای و خبری با قلمی زیبا و شیوا مهمترین وظیفه معلمان و استادان و برنامه‌ریزان زبان فارسی است.

اینک توضیحات بیشتری درباره کارهای لازم برای تقویت فارسی رسمی معاصر:

۱) تقویت گونه علمی و ترجمه‌ای. از آنجایی که فارسی امروز با مهمترین آزمایش خود روبروست، یعنی برخورد با زبانهای غربی و اصطلاحات علمی و فنی آنها، باید مطالعه دقیقی درباره گونه علمی و ترجمه‌ای زبان رسمی به عمل آورد؛ چون زبان علمی و فنی و ترجمه‌ای با لغت‌سازی و واژه‌گزینی نیز سر و کار دارد باید شیوه واژه‌سازی در تفسیرها و فرهنگنامه‌های عربی به فارسی و کتابهای علمی عصر ما مورد بررسی دقیق قرار گیرد. بنابراین، این کار باید با موشکافی در علم صرف فارسی و با پژوهش در مبحث کلمات مرکب و مشتق و ساختمانهای ترکیبی و اشتقاقی فعال و غیر فعال زبان توأم باشد. پس غنی کردن زبان علمی و فنی معاصر یکی از راههای تقویت زبان فارسی است زیرا زبانی تواناتر است که علمی‌تر و فنی‌تر باشد و با آن ادبیات و علوم به

ترجمه‌گران به خلق آثار روان و روشن و شیوا. دیدیم یکی از گونه‌های مهم فرعی زبان رسمی گونه ادبی و هنرمندانه و فصیح آن است که می‌توان آن را گونه نمونه نامید، یعنی گونه‌ای که به وسیله شیوانویسان به وجود می‌آید و بر اثر جذابیت و زیبایی خود به آسانی در دل و جان مردم جای می‌گیرد و می‌تواند سرمشق نگارش آنها واقع شود زیرا زبان رسمی تا حدی جنبه ادبی نیز دارد و از ادبیات فصیح گذشته و حال نیز الهام می‌گیرد.

باری خلق نوشته‌ها و ترجمه‌های ادبی و غیر ادبی روان مهم‌ترین خدمت به زبان رسمی و بزرگترین عامل تقویت آن است و اهمیت آن به مراتب بیش از تحقیقات دستوری و زبان‌شناسی درباره این گونه از زبان است. بنابراین تشویق نویسندگان و شاعران و مترجمان به ترجمه و آفرینش اینگونه آثار یکی از عمده‌ترین راههای تقویت و گسترش زبان فارسی است. از این طریق است که گونه نمونه و زیبا رواج می‌یابد و زبان فارسی هر چه بیشتر تقویت می‌شود و برای بیان مسائل علمی و ادبی آمادگی پیدا می‌کند.

۴) بهبود روش آموزش زبانهای خارجی و ترجمه. ترجمه یکی از عناصر مهم زبان رسمی است و توجه به آن و همچنین توجه به تعلیم زبان خارجی موجب غنی شدن زبان رسمی نیز می‌شود. این کار علاوه بر اینکه برای تعیین حد و مرز زبان رسمی امروز مفید است، وسیله بهبود و تهذیب آن نیز هست زیرا اهل قلم با آگاهی از قواعد ترجمه و با اطلاع از ریزه کاریهای زبان خارجه به نوع کار کرد زبان رسمی که تحت تأثیر ترجمه است بهتر پی می‌برند و بر آن بیشتر تسلط می‌یابند. البته پرداختن به زبان خارجه و ترجمه نباید به قیمت غفلت از زبان فارسی و زیباییهای آن صورت گیرد بلکه این دو کار باید به موازات هم باشند.

۵) بهبود وضع تدریس فارسی در دبستان و دبیرستان. دبستان و دبیرستان بزرگترین مرکز گسترش و آموزش زبان فارسی است، بنابراین تعلیم فارسی باید به شکلی باشد که زبان رسمی معاصر و زبان معیار اساس و اصل قرار گیرد، بخصوص درس انشا باید بر اساس بهترین نمونه‌های زبان رسمی یعنی بر پایه گونه نمونه تعلیم داده شود. و اصولاً یکی از راههای تقویت زبان رسمی بهبود تعلیم انشا و ترجمه در آموزشگاههاست. شیوه

وجود آید و زبانی فقیرتر و ناتوانتر است که از علوم و ادبیات و معارف معنوی تهی باشد. زبان فارسی قدیم را به این سبب توانگر و غنی می‌گفتیم که بهترین کتابهای دینی، طبی، نجومی، ریاضی و عرفانی به آن نوشته شده بود و ادبیات غنی و وسیعی داشت. حال نیز باید آن را به همان شیوه توانگر کنیم، یعنی آن را به صورت زبان فرهنگ و علوم و ادبیات جدید در آوریم تا فتور و ضعفی که در چند قرن اخیر دامنگیر آن شده است از میان برود و این زبان زیبای کهنسال دوباره توانگری و غنا و شکوهمندی خود را باز یابد. برای این منظور باید در بالا بردن سطح علم و دانش و فرهنگ و ادبیات و معارف مردم بدون وقفه کوشش کرد. بنابراین استحکام و غنای زبان فارسی معاصر از غنای علمی و پیشرفتهای جدید کشور ما تفکیک ناپذیر است. باری اگر به جنبه‌های علمی و فنی زبان رسمی توجه نماییم و اگر به ادبیات گذشته و گونه‌های ادبی اکتفا کنیم یکی از زبانهای علمی جهان، فارسی را شکست خواهد داد و جانشین آن خواهد شد. به این جهت علمی و فرهنگی کردن هر چه بیشتر زبان فارسی مهم‌ترین خدمت به آن است. از این رو سرنوشت زبان مادر آینده به دست ترجمه‌گران و عالمان و دانشمندان و نویسندگان کتابهای علمی و فنی خواهد بود.

۲) رواج شعر و نثر روان گذشته و حال. چون یکی از سرچشمه‌های زبان رسمی شعر و نثر فصیح و روان گذشته و حال است و از آنجایی که زبان رسمی بیشتر جنبه ارتباطی دارد نه جنبه ادبی و هنری، و هدف اساسی آن بیان هر چه روشنتر مطالب خبری و علمی و فنی برای مردم است باید واضح و روشن باشد. بنابراین این زبان از شعر و نثر پیچیده و مغلق و دیر فهم قدیم و جدید مانند شعر خاقانی و بعضی از اشعار مبهم امروز و همچنین از نثر فنی و متکلفانه قدیم نباید متأثر شود و برعکس باید از نثر و شعر فصیح و روان گذشتگان و معاصران مانند آثار فردوسی و سعدی و دیگران تأثیر پذیرد.

۳) تشویق نویسندگان و هنرمندان و شاعران و

